

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان
مشارکت اجتماعی زنان روستایی (مطالعه موردی زنان روستای خانلق)

محسن سلیمی امان آبادی، ابراهیم صالح آبادی، هدا حلاج زاده^۳

کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان فاروج

Salimi2008@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی (مطالعه موردی زنان روستای خانلق) انجام شده است. هدف از اجرای این تحقیق پاسخ به این سؤال بوده که عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت زنان روستایی کدامند؟ این پژوهش یک مطالعه زمینه‌یابی از نوع همبستگی می‌باشد قلمرو زمانی پژوهش، زمستان سال ۱۳۹۱ بوده، جامعه آماری کلیه زنان ساکن در روستای خانلق و حجم نمونه ۸۰ نفر از زنان روستایی و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۳۹۳ استفاده شده، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و ضریب رگرسیون استفاده شده که طبق نتایج بدست آمده تأیید شده است که توان تصمیم‌گیری زنان براساس اراده و خواست آزاد، نگرش زنان نسبت به توانایی و شایستگی‌شان، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: عوامل اجتماعی، مشارکت اجتماعی، زنان روستایی، خانلق.

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر و کارشناس مددکاری مدیریت کمیته امداد امام خمینی (ره) خراسان شمالی، salimi2008@yahoo.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور خراسان شمالی.

۳. استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه گیلان.

۱- بیان مسئله

زنان قشری از جامعه اند که مورد کم توجهی قرار گرفته اند و از ظرفیت های بالای آنان جهت مشارکت در فرایند توسعه ، استفاده صحیح و کاملی نمی شود. جلب مشارکت زنان نیازمند اقدامات وسیع فرهنگی و اجتماعی است، زیرا عمده ترین موانع مشارکت این قشر در جامعه ما، ریشه در فرهنگ دارد. سابقه طولانی فرهنگ مرد سالاری در ایران نابرابری بین زن و مرد در جنبه های گوناگون زندگی اجتماعی (از جمله مالکیت، درآمد، آموزش و منزلت) را پایه گذاری کرده است.

مسئله مشارکت زنان، به ویژه زنان روستایی به دلیل نقش موثر چنین مشارکتی در فرایند گذار از توسعه نیافتگی، بسیار قابل تامل است. این در حالی است که مشارکت کم رنگ زنان به طور اعم و مشارکت زنان روستایی به طور اخص (با توجه به آمار و اطلاعات بدست آمده از پژوهش ها در جامعه ما) به وضوح قابل مشاهده است. تا جائیکه اگر اشکال سنتی مشارکت که عمدتاً در امور مربوط به کشاورزی است از یک سو و مشارکت های مرسوم سنتی و مشارکت های غیر ساختمان زنان روستایی در عرصه های محدودی مثل ازدواج، فرزندآوری و... که در سراسر جهان با اشکال قانونمندی هایی مشابه روی می دهد از کنار بگذریم، هیچ عرصه مشارکت دیگری برای زنان روستایی باقی نمی ماند (پیران، ۱۳۷۶: ۵).

بجایی محاسبه گری و برنامه ریزی، همچنین عدم حضور زنان در فعالیت های اجرایی، اداری و سیاستگذاری، درجه پایین علم باوری و پذیرش تکنولوژی در میان آنان، پایین بودن سطح سواد، عدم اعتماد به نفس زنان روستایی و ممانعت مردان از حضورشان در تصمیم گیری ها از جمله عوامل بازدارنده مشارکت زنان در اموراند.

این عوامل را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- الگوهای سنتی و موانع ساختاری و نگرشی

۲- نقش منفی رسانه های گروهی و کلیشه سازی از زنان و مردان

۳- دسترسی محدود زنان به آموزش و تمرین مدیریت

۴- نبود آمار و اطلاعات (رئسی مبارکه، ۱۳۷۶: ۴۵).

علل و عوامل اجتماعی موثر بر فرایند و میزان مشارکت، نابرابری و غیر عادلانه بودن فرصتهای مشارکت برای زنان و قدرت اثر گذاری آنان بر فرایند توسعه مسئله پژوهش بوده و شناسایی ابعاد آن، هدف این پژوهش است.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش:

زنان با توجه به نقشی که در خانواده ایفا می کنند، می توانند به عنوان محور اصلی پیشرفت و توسعه محسوب شوند با توجه به واقعیت های ملموس جهانی متأسفانه زنان از موقعیتی نامطلوب در سطح بین المللی برخوردارند. بطور مثال تفاوت در سطح سیاست گذاری، سرمایه گذاری و دریافت حقوق برای کار مساوی پدیده ای جهان شمول است. میزان مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی تأییدی بر عدم توجه کافی به امور زنان و ارزش افزوده آنان است، زیرا زنان روستایی در تمام مراحل تولید محصولات کشاورزی و تولیدات دامی و به طور کلی تمامی امور دوشادوش مردان به فعالیت می پردازند و اوقات اندک فراقشان را نیز صرف تولید صنایع دستی مانند گلیم و قالی و .. می کنند. بنابراین ایجاد زمینه های خود آگاهی هدایت توانائی های اقتصادی و اجتماعی زنان و برنامه ریزی جهت جلب مشارکت آنان در فعالیت های گوناگون الزامی است. در مناطق روستایی زنان نقشی به مراتب بیشتر از مردان در اقتصاد خانوار و فعالیتهای درون منزل به عهده دارند و موجب رونق اقتصادی جامعه هستند. هنوز زنان جایگاه خود را در بیشتر کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه به عنوان

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

شهروندان فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و فرهنگی به دست نیآورده اند و کماکان فعالیتهای زنان در محاسبات اقتصادی مد نظر قرار نمی گیرد و از آنان به عنوان نیروی کار نامرئی یاد می شود. تخمین بسیار مایوس کننده تعداد زنان فعال روستایی و برآورد بسیار کم میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی تأییدی بر عدم توجه کافی به امور زنان و ارزش افزوده آنان است. زنان نیروی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستا و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد تولید محصولات غذایی هستند اگر چه کشاورزی و دامداری به طور سنتی شغلی مردانه بوده اما نقش زنان هرگز محدود به خانه و خانواده نشده و زنان علاوه بر فعالیتهای درون منزل در بیرون (کشاورزی، دامپروری، جنگلداری و غیره) نیز فعال هستند. اهمیت موضوع زنان در ایران به ویژه مناطق روستایی از یک سو با محدودیت امکانات و منابع تولیدی و از سوی دیگر با رشد سریع جمعیت و انبوه بیکاران در فرآیند دستیابی به رشد و توسعه روستایی مواجه می باشد و زنان روستایی در تمامی مراحل تولید محصولات کشاورزی و تولیدات دامی دوشادوش مردان به فعالیت می پردازند به طور کلی، توسعه فرآیندی است چند بعدی و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ... مشارکت زنان روستایی در این فرآیند، مشارکتی فعالانه و تاثیر گذار بوده است و مهمترین جنبه این مشارکت تاکنون بعد اقتصادی آن برای زنان روستایی بوده است.

با اینکه ضرورت الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت جوامع بشری مطرح بوده لکن هنوز در کشور ما بین زنان و مردان تعادل مطلوب و قابل قبولی در این زمینه در فعالیتهای مختلف ایجاد نشده است و این امر به علل مختلف اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و سیاسی کشور از گذشته تا بحال مربوط می شود. زنان تقریباً نصف جمعیت جهان را تشکیل می دهند؛ دستمزد آنها فقط برابر ۱۰ درصد از درآمد جهان است؛ زنان روستایی قشری زحمتکش و فعالند که در تمامی فعالیتهای روزانه اعم از کشاورزی، دامداری، تولید لبنیات فرش، گلیم، شالبافی، نخ، حصیر، چادر، هیزم، پرورش ماکیان، ظروف و صنایع دستی و .. همپای مردان علاوه بر امور خانه داری، همسر داری و بچه داری سهیم می باشند و از این بابت نصیبی منطبق با تلاش و فعالیت خود بدست نمی آورند حمایت از زنان و آموزش آنان و همچنین مهارت سازی در آنان و توانمند ساختن زنان بعنوان قشر تاثیر گذار و انتقال دهنده فرهنگ و ارزشها، امری است که باید در برنامه ریزیهای تصمیم گیران و سیاستگذاران مورد توجه قرار گیرد.

۳- اهداف پژوهش

۳-۱- هدف اصلی:

۱-۱ تبیین میزان بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی در فرآیند توسعه

۳-۲- اهداف فرعی:

۱-۲ تبیین میزان توان تصمیم گیری زنان روستایی براساس اراده و خواست آزاد زنان روستایی و مشارکت اجتماعی

۲-۲ تبیین میزان نگرش زنان نسبت به تواناییها و شایستگیها در میزان مشارکت اجتماعی

۲-۳ تبیین میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت اجتماعی

۲-۴ تبیین میزان پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده و میزان مشارکت اجتماعی

۴- پیشنهاد داخلی

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

عذرا جاراللهی (۱۳۷۱) تحقیقی با عنوان تاریخچه اشتغال زن در ایران انجام داده است. نتایج آن حاکی است که تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایرانی در طول تاریخ، منزلت اجتماعی زنان و به تبع آن قدرت مشارکت آنها را دستخوش تغییر کرده است بدین معنی که هرگاه جامعه برای مقام و موقعیت اجتماعی زنان اهمیت قائل بوده زن توانسته است نوآوری کند و با کاهش این اهمیت مشارکت آنان کاهش یافته است. (جاراللهی، ۱۳۷۱: ۲۲۰).

موحد (۱۳۸۲) در مطالعه که به عنوان مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن بر روی جمعیت نمونه ۲۱۸ نفری از زنان شاغل و غیر شاغل ساکن شهرستان بندرعباس با بهره گیری از روش پرسشنامه و مصاحبه رودرو به این نتایج رسیده که مشارکت زنان مورد مطالعه در سه جنبه شناختی، ارزیابانه و عاطفی از کنش اجتماعی پارسونز بالاست و بیشترین تمایل به مشارکت نیز مربوط به جهتگیری عاطفی می باشد در عین حال پژوهش او نشان می دهد که برحسب میزان تحصیلات، نوع اشتغال، طبقه اجتماعی زنان پاسخگو میزان مشارکت نیز تفاوت معناداری نشان می دهد. باتوجه به این که این مطالعه در یکی از مناطق محروم کشور انجام گرفته، بیشترین میزان مشارکت در میان زنان طبقه متوسط دیده شده است. مطالعه او ضمن رد رویکرد زیست شناختی نسبت به مشارکت اجتماعی زنان به طور عام بر تاثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی تاکید می کند (موحد مجد: ۲۸۱۳۸۲-۳).

ملیحه السادات میر معزی (۱۳۷۳) نیز تحقیقی تحت عنوان تبیین ضرورت به کارگیری مروج زن و معیارهای لازم بر آن برای انتخاب آنان انجام داده است یافته های پژوهش او بیانگر این است که مسئله تصمیم گیری زنان در نقاط مختلف کشور با بافت فرهنگی اجتماعات روستایی ارتباط نزدیکی دارد (میرمعزی ۱۳۷۳: ۴۳-۴۴).

فضیله خانی (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه مطالعه موردی استان گیلان نقش اشتغال زنان در تصمیم گیری مربوط به امور تولیدی، خانواده فرزندان را مطالعه کرده است. نتایج حاکی است که با کاهش اشتغال زنان نقش آنها در تصمیم گیری حوزه خصوص در حوزه تولیدی کم می شود از سوی دیگر با افزایش درآمد خانواده زنان به تدریج از فرایند تولیدی خارج شده و این امر باعث کاهش نقش آنها در تصمیم گیری های مربوط به مزرعه می شود (خانی ۱۳۷۵: ۸۶).

حمزه لو و امینی (۱۳۸۱) در شهر خمین پژوهشی تحت عنوان بررسی تطبیقی حدود اختیار و قدرت تصمیم گیری زنان روستایی در فعالیت اقتصادی و اجتماعی انجام دادند نتایج نشان می دهد که زنان روستایی از انگیزه بسیاری برای حضور جدی در عرصه تصمیم بر خوردارانند کاهش ازدواج زود رس، بالا رفتن نسبی سن ازدواج، اشتغال به کار در خارج از خانه از این دلایل اند (حمزه لو و امینی، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

معزی (۱۳۷۳) تحقیقی تحت عنوان تبیین ضرورت بکارگیری مروج زن و معیارهای لازم بر آن برای انتخاب آنان انجام داده که یافته آن بیانگر اینست که مسئله تصمیم گیری زنان در نقاط مختلف کشور با بافت فرهنگی و اجتماعی روستا ارتباط نزدیک دترد (میرمعزی، ۱۳۷۳: ۴۴)

سادکا هالیم در سال ۲۰۰۵ پژوهشی تحت عنوان جنسیت و وسطاهای دارای برق در کشور بنگلادش انجام داده است. یافته های تحقیق مذکور بیانگر این است که عوامل موثر بر ارتقا تصمیم گیری زنان روستایی سطح برخورداری از تکنولوژی است. چرا که میزان مشارکت زنان روستایی در خانه های برخوردار از برق بیشتر از زنانی است که در خانه های فاقد برق زندگی می کنند.

مروری بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که برخی مطالعات فوق زنان را در چارچوب نقش مادری در نظر گرفته و در نتیجه توان آنان را محدود می‌کند. دسته ای دیگر با استناد به میزان مشارکت زنان معتقدند که زنان کمتر از مردان آگاهی دارند و کمتر به مسائل اجتماعی علاقمندند. به نظر می‌رسد که تاکید بر تهدادی از صاحب نظران بر متغیر جنسیت بعنوان شکاف مشارکتی میان مردان و زنان باید مورد تجدید نظر قرار گیرد زیرا تعدادی از بررسی ها نشان داده که اگر منابع اختیار زنان همراه با عوامل شخصی گسترش یابد شکاف جنسی در این مورد وارونه مشاهده می‌شود که زنان در رفتار اجتماعی خود فعالیت‌های مردان هشتند (راش، ۱۳۸۲: ۱۳۲-۱۳۳).

۵- چارچوب نظری پژوهش

نظریه های فمینیستی و نوسازی، رهیافت های نظری اند که به صورت ادغام شده پایه های نظری پژوهش ما را می‌سازند. به این صورت که با گرفتن متغیرهایی از هر دو رویکرد به ارائه مدل نظری پژوهش پرداخته ایم. متغیرهای مانند توان تصمیم گیری، نگرش فرد به توانایی و شایستگی خود، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی متغیرهای اند که بر مشارکت اجتماعی تاثیر گذارند.

مشارکت به معنایی سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن است. به همین دلیل باید از دیدگاه جامعه شناسی بین مشارکت بعنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمایز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی از هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم همکاری فعال با گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. مشارکت ممکن است اشکال و درجات گوناگون مانند همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد نقش های اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش ها دارند پیدا کند (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۵۷).

در ارتباط با زمینه های تئوریک و تجربی مشارکت، پژوهشهایی در دو جهت مختلف و در عین حال موازی و مرتبط با یکدیگر صورت گرفته است:

۱- عده‌ای از صاحب نظران در حوزه های مختلف علوم اجتماعی و رفتاری مانند رابرت دال (۱۳۶۴)، لیپست (۱۹۶۰)، سیلز (۱۹۸۶)، بالدورینک (۱۹۸۰)، لازارسفلد (۱۳۷۰)، روبرت لین (۱۹۶۲)، مری لوین (۱۹۷۲)، ساموئل هانتینگتن (۱۹۷۶) و لويس كوزر (۱۹۶۷) کوشیده اند توصیفی از مشارکت در جوامع مختلف در زمانهای متفاوت ارائه داده و به تبیین تفاوت ها براساس عوامل اجتماعی، روانی، اقتصادی و سیاسی بپردازند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۷: ۴۶).

۲- گروهی دیگر از صاحب نظران توجه خود را به بررسی و مطالعه مشارکت بعنوان رکنی از حیات مدنی و چگونگی ارتباط آن با توسعه اجتماعی و اقتصادی معطوف کرده اند. از آن جمله می‌توان به مایرون وینر (۱۹۷۹)، گونار میردال (۱۳۶۶) و دانیل لرنر (۱۹۵۸) اشاره کرد. در این میان گروهی نیز از صاحب نظران توجه خود را به طور اخص به شناخت مشارکت اجتماعی و کاربردهای آن به ویژه نقش مشارکت در توسعه اجتماعی، اقتصادی، گروه های اجتماعی و مشارکت، رشد گروهی و مشارکت، مشارکت در انجمن های محلی و شوراهای، تعامل و مشارکت روانشناسی اجتماعی تصمیم گروه، پویایی گروه بعنوان عامل اثر گذار بر مشارکت معطوف کرده اند. برتوس هاور کورت، نیلز رولینگ، آرون تولن، پیتر اوکلی، رابرت چمبرز، هیون کائوتونرا می‌توان در زمره این صاحب نظران قرار داد (محسنی تبریزی، ۴۵).

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

ویژگی عمده مشارکت، یعنی داشتن هدف مشترک، آگاهی و اراده و خواست انتخابی بودن آن را به فرایندی تبدیل می کند فعال-مسئول-آگاه-آزاد(پیران، ۱۳۷۶: ۱۰). یافته های پیران و همکارانش نشان داده است که تناقضی ریشه دار در الگوی مشارکت جوامع مشرق زمین مشاهده می شود. به صورتی که فرد در این گونه جوامع در عرصه های خصوصی و خانوادگی بسیار دیگر خواه و مشارکت جو است و در عرصه های عمومی و مدنی به شدت خود خواه و غیر مشارکتی عمل می کند.(یاوندی ۱۳۷۹: ۵۹).

مشارکت اشکال مختلف دارد که یکی از ساده ترین صورت مشارکت آن است که گروه هدف حالت انفعالی داشته و فقط دریافت کننده خدمات و منافع باشد. برای مثال زن روستایی که پیش و پس از زایمان به مراکز بهداشتی مراجعه کرده جز این گروه محسوب می شود. دومین سطح مشارکت سطحی است که مردم بدون آنکه در طرح و تنظیم برنامه ای اظهار نظر کرده باشند در فعالیت های مربوط به آن شرکت کنند. نمونه این افراد برخی از پرستاران امور بهداشتی اند که پس از دریافت آموزش لازم مردم را در مراقبتهای بهداشتی یاری می کنند. در حالی که برنامه ریزی و تصمیم گیری در مورد خدماتی که باید ارائه شوند به وسیله دیگران صورت می گیرد. سومین سطح مشارکت آن است که مردم در تنظیم، اجرا و ارزیابی یک پروژه تصمیم گیرنده باشند. جامع ترین شکل مشارکت زمانی پیش می آید که همه اقدامات مربوط به طرح درست بخشی باشد که نسبت به نتایج پروژه به شدت حساس و نگران است.

زنان روستایی براساس الگوهای اجتماعی از پیش تعریف شده، نقش اجتماعی خود را اجرا و آنگونه عمل می کنند که از آنها خواسته شده است.

۶- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحقیقات پیمایشی از طریق پرسشنامه می باشد. که به بررسی میزان عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی می پردازد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه زنان روستایی ساکن روستایی خاقلق است. حجم نمونه در این پژوهش (۸۰ نفر) برآورد شده است. شیوه نمونه گیری در این پژوهش از نوع، نمونه گیری تصادفی می باشد. ابزار تحقیق در این پژوهش پرسشنامه می باشد. متغیر مستقل در این پژوهش: توان تصمیم گیری زنان براساس اراده و خواست آزاد، نگرش زنان نسبت به توانایی و شایستگی هایشان، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده زنان روستایی و متغیر وابسته در این پژوهش، مشارکت اجتماعی زنان روستایی میباشد.

۷-آزمون فرضیات

۷-۱- فرضیه اول: بین توان تصمیم گیری زنان براساس اراده و خواست آزاد و مشارکت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱-ضریب همبستگی فرضیه اول

Test Value = 0					
95% Confidence Interval of the Difference	Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	
Upper	Lower				

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

10.0114	8.0386	9.0250	.000	۷۹	18.507
6.4056	5.7944	6.1000	.000	۷۹	40.380

جداول بالا نشان می دهد که میانگین توان تصمیم گیری براساس خواست آزاد 9.0250 (۸۰ نفر) بوده است و میانگین مشارکت اجتماعی 6.1000 (۸۰ نفر) بوده است و با توجه جداول، به اینکه سطح معنی داری کمتر از ۵٪ می باشد، فرضیه ما مورد قبول واقع میشود پس بین توان تصمیم گیری زنان براساس اراده و خواست آزاد و مشارکت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

۲-۷- فرضیه دوم: بین نگرش زنان نسبت به توانایی و شایستگیشان و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲- ضریب همبستگی فرضیه دوم

Test Value = 0					
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t
Upper	Lower				
9.5250	8.0750	8.8000	.000	۷۹	24.553
6.4056	5.7944	6.1000	.000	۷۹	40.380

جداول بالا نشان می دهد که میانگین نگرش زنان نسبت به توانایی و شایستگیشان 8.8000 (۸۰ نفر) بوده است و میانگین مشارکت اجتماعی 6.1000 (۸۰ نفر) بوده است و با توجه جداول، به اینکه سطح معنی داری کمتر از ۵٪ می باشد، فرضیه ما مورد قبول واقع میشود پس بین نگرش زنان نسبت به توانایی و شایستگیشان و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۷- فرضیه سوم: بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳- ضریب همبستگی فرضیه سوم

Test Value = 0					
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t
Upper	Lower				
18.6737	16.9513	17.8125	.000	۷۹	42.184
6.4056	5.7944	6.1000	.000	۷۹	40.380

جداول بالا نشان می دهد که میانگین پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده زنان روستایی 17.8125 (۷۲ نفر) بوده است و میانگین مشارکت اجتماعی 6.1000 (۸۰ نفر) بوده است و با توجه جداول، به اینکه سطح معنی

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

داری کمتر از ۰.۵٪ می باشد، فرضیه ما مورد قبول واقع می شود پس بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده زنان روستایی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۷-۴- فرضیه چهارم: بین دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴- ضریب همبستگی فرضیه چهارم

Test Value = 0					
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t
Upper	Lower				
16.9187	15.2813	16.1000	.000	۷۹	39.775
6.4056	5.7944	6.1000	.000	۷۹	40.380

جداول بالا نشان می دهد که میانگین دسترسی به وسایل ارتباط جمعی 16.1000 (۸۰ نفر) بوده است و میانگین مشارکت اجتماعی 6.1000 (۸۰ نفر) بوده است و با توجه جداول، به اینکه سطح معنی داری کمتر از ۰.۵٪ می باشد، فرضیه ما مورد قبول واقع می شود پس بین دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۸- نتیجه گیری

در پژوهش حاضر که با روش پیمایشی انجام شده است بررسی میزان و چگونگی مشارکت اجتماعی زنان در روستای خانلق مورد نظر بوده است. تاکید این پژوهش بر این نکته است که مشارکت زنان به طور اعم و مشارکت اجتماعی زنان روستایی بویژه کم رنگ و بی رمق است و اگر اشکال سستی مشارکت را که عمدتاً مربوط به کشاورزی است کنار بگذاریم در عرصه مشارکت مدنی فعالیت قابل ملاحظه وجود ندارد.

مبانی نظری این تحقیق بر پایه رویکرد فمینیسم (تکیه بر عوامل بروننی) و نظریه نوسازی (تکیه بر عوامل درونی) استوار است که با انتخاب متغیرهای از هر دو رویکرد به ارائه مدل نظری پرداخته شده است. متغیر وابسته این پژوهش مشارکت اجتماعی زنان روستایی و متغیرهای مستقل عبارتند از توان تصمیم گیری براساس اراده و خواست آزاد؛ نگرش آنان به توانایی و شایستگی خودشان؛ دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده آنان.

هدف اصلی این تحقیق تبیین میزان بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی بوده است.

فرضیه اول: براساس آزمونی که از طریق SPSS انجام گرفت به این نتیجه حاصل گردید که بین توان تصمیم گیری براساس اراده و خواست آزاد و مشارکت اجتماعی زنان روستایی رابطه وجود دارد، به این دلیل که سطح معنی داری ما در این فرضیه از ۰.۵٪ کمتر بوده و فرضیه مورد قبول واقع شده است. یعنی هر چه میزان توان

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

تصمیم‌گیری براساس اراده و خواست آزاد بیشتر باشد، مشارکت اجتماعی زنان روستایی نیز بیشتر می‌شود و برعکس هر چه میزان توان تصمیم‌گیری براساس اراده و خواست آزاد کمتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی بین زنان روستایی کمتر می‌شود، پس بین توان تصمیم‌گیری براساس اراده و خواست آزاد و مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی برقرار است.

فرضیه دوم: بر طبق نتایجی که از طریق SPSS و تست آزمون صورت گرفت این نتیجه حاصل شد اینکه بین نگرش نسبت توانایی‌ها و شایستگی‌هایشان و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد، به این دلیل که سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ بوده است. یعنی هر چه نسبت توانایی‌ها و شایستگی‌هایشان بیشتر باشد مشارکت اجتماعی آنان نیز بیشتر و برعکس هر چه میزان نسبت توانایی‌ها و شایستگی‌هایشان کمتر باشد میزان مشارکت اجتماعی کمتر خواهد بود پس می‌توان گفت که بین نسبت توانایی‌ها و شایستگی‌هایشان و مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی برقرار است.

فرضیه سوم: بر طبق نتایجی که از طریق SPSS و تست آزمون صورت گرفت این نتیجه حاصل شد اینکه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد، به این دلیل که سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ بوده است. یعنی هر چه پایگاه اجتماعی و اقتصادی‌شان بیشتر باشد مشارکت اجتماعی آنان نیز بیشتر و برعکس هر چه میزان پایگاه اجتماعی و اقتصادی کمتر باشد میزان مشارکت اجتماعی کمتر خواهد بود پس می‌توان گفت که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی برقرار است.

فرضیه چهارم: بر طبق نتایجی که از طریق SPSS و تست آزمون صورت گرفت این نتیجه حاصل شد اینکه بین دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد، به این دلیل که سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ بوده است. یعنی هر چه میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی بیشتر باشد مشارکت اجتماعی آنان نیز بیشتر و برعکس هر چه میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی کمتر باشد میزان مشارکت اجتماعی کمتر خواهد بود پس می‌توان گفت که بین میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی برقرار است.

۹- پیشنهادات موضوعی

افزایش مشارکت زنان روستایی مسئله‌هی ساختاری است که پیش‌نیاز آن تحول در نهادهای مختلف اجتماعی مانند آموزش و پرورش، قوانین و مقررات حقوقی و اجرایی برنامه‌های ترویج و توسعه واقعی است از سوی دیگر به منظور تحقق همه اهداف نوسازی فردی زنان روستایی الزامی است. تغییر در نگرش زنان روستایی تاجایی که خود در عرصه جریان‌های زندگی اجتماعی و خانوادگی شخصیت‌های مستقل، مقتدر و توانمند و تصمیم‌گیرنده بدانند به این مهم کمک می‌کند.

هر چند مسئله قدرت تصمیم‌گیری زنان تنها چالش و مشکل آنها به خصوص در جوامع روستایی نیست بی‌شک بدن حضورشان در تصمیم‌گیری‌ها احقاق حقوق و رفع تبعیض هم ممکن نیست. پایین بودن سطح تحصیلات، عدم اشتغال رسمی، فقدان ارزش‌گذاری صحیح اجتماعی روستاییان و پایین بودن درآمد رئیس خانواده از مهمترین موانع قدرت تصمیم‌گیری در آنان است. در مجموع به نظر می‌رسد با تضعیف ساختار پدر

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

سالارانه حاکم بر جامعه و محرومیتهای که در گذشته بر سر راه روابط اجتماعی زنان وجود داشت امکان حضور بیشتر آنها در جامعه فراهم شده باشد.

حال در راستای ارتقاء جایگاه زنان در فرایند مشارکت، موارد زیر پیشنهاد می شود:

- ۱- توجه به وضعیت سواد و تحصیلات زنان
- ۲- آموزش والدین در جهت سهیم کردن فرزندان دختر و پسر به تساوی مسئولیتهای خانوادگی و تصمیم گیری از زمان کودکی
- ۳- تلاش در جهت فقر زدایی اطلاعاتی و افزایش دانایی و مهارت زنان از طریق آموزشهای مورد نیاز آنها در راستای ارتقاء آگاهی آنها و استفاده از وسایل ارتباط جمعی از قبیل سخنرانی ارائه نمونه های عینی
- ۴- آگاه سازی مردان از جایگاه و منزلت زنان روستایی
- ۵- تغییر نگرش مردان روستا نسبت به ارزش کار خانگی و کشاورزی زنان روستایی
- ۶- مشارکت اجتماعی زنان آموزش اقتصادی آنان کسب درآمد به دنبال آن ارتقاء تصمیم گیری زنان در محیط خانواده و اجتماعات روستایی
- ۷- ضرورت آگاهی زنان روستایی نسبت به حقوق و توانمندی های خود.

منابع:

- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۸۴، کندوکاوها و پنداشته ها، تهران انتشار، ۱۳۶۰
- ریتزر، جورج، ۱۳۷۹، نظریه های جامعه شناسی در دوران نعلصر، ترجمه محسن ثلاثی، نشر نی
- محمدی اصل، عباس، ۱۳۸۱، جنسیت و مشارکت تهران، انتشارات روشنگران
- ازکیا، مصطفی، ۱۳۷۷، جامعه شناسی توسعه، نشر کلمه
- اوکلی، پیتر، مارسون دیوی، ۱۳۷۱، رهیافت مشارکت در توسعه، ترجمه منصور محمود نژاد، مرکز تحقیقات و توسعه جهاد کشاورزی
- پیران، پرویز، مبانی مفهوم مشارکت زنان روستایی، جلد اول
- جاراللهی، عذرا، ۱۳۷۱، تاریخچه زن در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، دی، شماره ۷ و ۸ ص ۱۲۰
- حمزه لو، بهروز، امینی، امیر مظفر ۱۳۸۱، بررسی تطبیقی حدود و اختیارات قدرت تصمیم گیری زنان روستایی خمین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان
- خانی، فضیله، پیامدهای مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان، مجله مطالعات زنان، شماره ۴، ص ۱۷۰
- میر معزی، ملیحه السادات، ۱۳۷۳، بررسی بکارگیری مروج زن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران